

بررسی دیدگاه وهابیان نسبت به عدم مشروعیت سفر، برای زیارت قبور اولیای الهی

علی اصغر کمالی*

محسن طبسی**

چکیده

زیارت به این معنا است که انسان با قصد و توجه، به دیدار شخص دیگری برود. وهابیان اصل رفتن به زیارت قبور را قبول دارند و آن را سنت می‌دانند؛ ولی سفر کردن برای زیارت را بدعت می‌شمارند. دلیل اصلی وهابیان، روایت "شد رحال" است که در آن، فقط سفر کردن به سه مسجد را جایز می‌شمارد. وهابیان می‌گویند: در استثنایی که در این روایت است، مکان در تقدیر است؛ پس سفر برای زیارت تمامی قبور بدعت است؛ در حالی که مستثنی‌منه در این روایت مسجد است و ربطی به دیگر سفرها ندارد. در روایاتی که از طریق محدثین اهل سنت وارد شده، تصریح به این مستثنی‌منه شده و علمای اهل سنت نیز در فتاوی خود تصریح به جواز، بلکه استحباب سفر برای زیارت قبور دارند.

کلیدواژه‌ها: سفر برای زیارت قبور، لا تشد الرحال، ابن تیمیه، شد رحال.

* دانش‌پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی شیعه‌شناسی و فارغ‌التحصیل موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام).

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم.

مقدمه

تمام علمای اسلام بر فضیلت زیارت اولیای الهی به خصوص قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (چه با سفر کردن به سوی قبر ایشان یا بدون آن)، تاکید دارند و روایات زیادی را در خصوص نحوه مقدمات زیارت، اهمیت، فضیلت و آثار زیارت بیان کرده‌اند. در این بین، شخصی به نام ابن تیمیه (قرن هشتم قمری)، سفر برای زیارت را تحریم کرد و آن را بدعت خواند.^۱ بسیاری از علمای شیعه و سنی در مقابل این نظر خلاف اسلام، موضع گرفته و کتاب‌ها و فتاوای زیادی در رد سخن او نوشتند؛ تا اینکه این نظریه شاذ به فراموشی سپرده شد. این نظریه تا قرن دوازدهم هجری قمری منسوخ بود، تا اینکه شخصی به نام محمد بن عبدالوهاب در سرزمین حجاز، این نظریه را دوباره احیا کرد و بسیاری از مسلمانان را به علت سفر برای زیارت قبر اولیای الهی، (به خصوص قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)، مبدع در دین معرفی و عمل آنان را حرام اعلام کرد. امروزه وهابی‌ها با تبعیت از سخنان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، اگرچه اصل زیارت قبور را جایز می‌دانند، ولی قائل به حرمت سفر برای زیارت قبور می‌باشند.

در این مقاله به دنبال آن هستیم که مشخص کنیم در زمینه سفر برای زیارت، سیره مسلمین و علمای اسلام که برگرفته از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد چیست، و آیا سخن وهابی‌ها که این نوع از سفر را بدعت و حرام می‌دانند سخن صحیحی است یا خیر؟

معنای لغوی زیارت

زیارت در لغت به معنای دیدار کردن همراه با قصد می‌باشد. در این لغت، معنای میل و گرایش پیدا کردن نهفته است؛ به این صورت که گویا شخص زائر از دیگران روی گردان شده و به سوی زیارت شونده، میل پیدا کرده است.^۲

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۱۹۶؛ شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار من اسرار منتقى الاخبار، ص ۳۱۸.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶.

معنای اصطلاحی زیارت

در معنای اصطلاحی نیز مانند معنای لغوی، به هر دیداری زیارت نمی‌گویند؛ بلکه به - دیداری زیارت می‌گویند که همراه با تمایل، کشش، قصد و برای اکرام و ایجاد انس انجام شده باشد.^۱

با دقت در معنای لغوی و اصطلاحی زیارت به این نتیجه می‌رسیم که زیارت به این معنا است که انسان، با قصد و توجه به دیدار دیگری برود و مقصود او از این دیدار، اکرام، احترام و انس با او باشد؛ خواه کسی که انسان به زیارت او می‌رود زنده، یا از دنیا رفته باشد.

معنای شد رحال

"رحال" جمع "رحل" و رحل چیزی است همانند زین اسب که بر روی شتر می‌گذارند. عرب "شد رحال" را به صورت مطلق برای سفر کردن به کار می‌برد و این لفظ کنایه‌ای برای مسافرت است.^۲

محل نزاع

زیارت کردن قبور را تمام مسلمانان جایز می‌دانند؛ حتی وهابیان نیز اصل زیارت قبور را قبول دارند و اشکالی در اینکه کسی به زیارت قبور برود ندارند؛ بلکه زیارت برای غیر زنان را، سنت هم می‌دانند.^۳ وهابیان مشکل اصلی را در سفر برای زیارت قبور دانسته و آن را بدعت می‌دانند؛ ولی اصل زیارت قبور را بدون "شد رحال" قبول دارند.

هیئت فتوای عربستان سعودی می‌گوید: زیارت قبور انبیا و صالحین (به خصوص قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)، اگر بدون شد رحال باشد مستحب است؛ ولی شد رحال برای زیارت قبور انبیا و صالحین بدعت است.^۴

عبدالعزیز بن باز (از کبار علمای وهابی) بر این باور است که، برای مسلمانان

۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۰.

۲. مطرزی، ناصر بن عبدالسید، المغرب فی ترتیب المغرب، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. دویش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴. «لا يجوز شد الرحال لزيارة قبور الأنبياء والصالحين وغيرهم... وأما زيارتهم دون شد رحال فسنة»؛ (دویش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء، ج ۱، ص ۴۳۱).



مشروع است، بعد از نماز در مسجد النبی ﷺ، به سوی قبر پیامبر ﷺ توجه کرده و به صورت مؤدبانه جلوی قبر بایستند و بر ایشان سلام دهند.^۱ نظر ایشان بر این است که سلام بر پیامبر اکرم ﷺ فضیلت دارد^۲ و سنت این است که زائر وقتی به مسجد النبی ﷺ رسید نماز بخواند و بعد از آن، قبر نبی اکرم ﷺ را زیارت کند؛^۳ همچنین زیارت قبور مسلمین در مکان های دیگر نیز سنت و مستحب است.^۴

نظر ابن تیمیه در "شد رحال"

اولین شخصی که به صورت صریح سفر برای زیارت را حرام و بدعت نامید، ابن تیمیه حرانی بود؛ بنابراین در ابتدای بحث، نظرات او که منشأ اصلی نظرات وهابیان است را بیان می کنیم.

ابن تیمیه در کتاب اقتضاء الصراط المستقیم خود، درباره سفر برای زیارت می گوید: اصحاب ما در این اختلاف کرده اند که آیا سفر برای زیارت قبور جایز است یا خیر؟ برخی می گویند جایز نیست و این مسافرت سفر معصیت است؛ برخی هم آن را جایز می دانند.^۵

او نظر اول را قبول کرده و می گوید: جمهور علما و بزرگان مسلمین فتوا به این داده اند که سفر کردن به قصد مشاهد و قبور مشرفه مشروع نبوده؛ بلکه این سفر، سفری از روی معصیت است.^۶

دلیل عدم جواز سفر برای زیارت قبور نزد وهابیان

مهم ترین دلیل وهابیت بر حرمت شد رحال به سوی حرم پیامبر اکرم ﷺ، حدیثی است که در صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است.

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى،

۱. بن باز، عبدالعزیز، مجموع الفتاوی، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۵۱.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۳۳.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۳۳.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۲، ص ۱۸۲.

۶. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۶، ص ۱۵۳؛ ابن تیمیه، احمد، المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام، ج ۱، ص ۲۵.

وَمَسْجِدِي هَذَا»؛^۱ بار سفر بسته نمی‌شود الا برای سه مسجد؛ مسجد الحرام، مسجد الاقصی و این مسجد من.

وهابیان به تبعیت از ابن تیمیه، نفی در این روایت را به معنای عدم جواز می‌گیرند و خود ابن تیمیه نیز به این مطلب تصریح کرده و می‌گوید: صحابه و تابعین نیز این سخن پیامبر ﷺ را تصریح در عدم جواز می‌دانستند و در این نهی اختلافی نداشتند.^۲ او همچنین درباره مستثنی منه در این روایت می‌گوید: استثناء در حدیث «لا تُشَدُّ الرِّحَالُ» مفرغ است؛ لذا باید در اینجا مستثنی منه در تقدیر گرفت. در اینجا دو چیز را می‌توان به- عنوان مستثنی منه در تقدیر گرفت.

۱. مسجد

تقدیر حدیث در این صورت، «لا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَى مَسْجِدٍ إِلَّا الْمَسَاجِدَ الثَّلَاثَةَ» می‌شود. در این حال، حدیث به صورت لفظی، نهی از سفر به تمامی مساجد می‌کند و به- طریق اولی، سایر بقاع را نیز شامل می‌شود؛ زیرا مساجد و عبادت در آنجا محبوبيت بیشتری پیش خداوند از این بقاع دارند؛ پس وقتی که سفر به مساجد که برتری دارند نهی شده است، به طریق اولی سفر به بقاع مفضوله نیز نهی شده است.^۳

۲. مکان

بر این اساس تقدیر حدیث به این صورت می‌گردد: «لا تَسَافَرُوا إِلَى بَقْعَةٍ وَ مَكَانٍ غَيْرِ الثَّلَاثَةِ»؛ یقیناً نهی در روایت، سفر برای زیارت را در بر می‌گیرد.^۴ ابن تیمیه سعی می‌کند احتمال اول را بی اهمیت جلوه داده و احتمال دوم را تقویت کند. او می‌گوید: اگر زائر به قصد نماز در مسجد النبی حرکت کرد، این عمل مشروع است؛ اما اگر به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ حرکت کند و به مسجد النبی برود، این عمل مورد اختلاف می‌باشد^۵ و اگر کسی فقط به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ سفر کند، ولی

۱. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۳ ص ۴۳، ۱۹۹۵؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵، ح ۸۲۷.

۲. ابن تیمیه، احمد، الرد علی الأخناني قاضي المالكية، ص ۲۲.

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۲۷، ص ۲۴۷.

۴. همان.

۵. ابن تیمیه، احمد، الرد علی الأخناني قاضي المالكية، ص ۲۴.



قصد مسجدالنبی نکند، این شخص با اجماع مسلمین مخالفت کرده و از دین خارج شده است.^۱

سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب (نوه محمد بن عبدالوهاب) نیز، با استناد به همین روایت و با اینکه مستثنی منه را مسجد می گیرد، می گوید: وقتی مسافرت کردن به مسجدی غیر از این مساجد جایز نباشد، به طریق اولی مسافرت برای زیارت قبور جایز نیست و این عمل مانند عمل اهل کتاب است.^۲ او می گوید: این سفر و انجام عبادت و دعا و نماز در نزد قبور، شکی در حرمتش وجود ندارد.^۳

آلبانی خود نظرش را این گونه بیان می کند که از باب اولویت، سفر به سوی قبور که نسبت به مساجد، نه فضیلتی دارند و نه شرافتی، جایز نیست.^۴

اشکالات به برداشت وهابیان از حدیث "لا تُشَدُّ الرِّحَالُ"

این برداشتی که ابن تیمیه و به تبع آن، وهابیان از این روایت کرده اند را نمی توان برداشتی درست دانست؛ چون اشکالات زیادی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. مستثنی منه در این روایت مسجد است نه هر مکانی

این حدیث ربطی به زیارت قبور ندارد؛ همان طور که احمد در مسند خود به آن اشاره کرده و روایت "لا تُشَدُّ الرِّحَالُ" را از ابوسعید الخدری می آورد که در آن روایت، مستثنی منه از زبان پیامبر اکرم ﷺ بیان شده و حضرت مسجد را مستثنی منه این روایت قرار داده اند؛ نه کل مکان ها را. احمد روایت را این گونه بیان می کند:

«لَا يَنْبَغِي لِلْمَطْيِ أَنْ تُشَدَّ رِجَالُهُ إِلَى مَسْجِدٍ يَتَتَعَى فِيهِ الصَّلَاةُ، غَيْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا»؛^۵

برای کسی که سفر می کند سزاوار نیست که زاد و توشه ببندد برای رفتن به مسجدی که نماز در آن سزاوار است؛ الا به سوی مسجدالحرام و مسجدالاقصی و این مسجد من.

۱. ابن تیمیه، احمد، الرد على الأحنائي قاضي المالكية، ص ۲۶.

۲. ابن عبدالوهاب، سلیمان بن عبدالله، التوضيح عن توحيد الخلاق، ص ۲۴۹.

۳. «هذا السفر إليه وقصده لفعل العبادة عنده من الدعاء والصلاة لا ريب في حرمة...»؛ (همان).

۴. البانی، محمد ناصرالدین، تفریغ فتاوی متنوعة للشيخ الألبانی، ص ۳.

۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

این روایت کاملاً برخلاف برداشت ابن تیمیه و وهابیان است که مستثنی منه در روایت شد رحال را مکان گرفته و به خاطر همین، هر نوع بار سفر بستن برای زیارت را بدعت می دانند. در این روایت تصریح شده که منظور نهی از شد رحال، به سوی مساجد برای نماز خواندن است، نه هر مکان دیگری؛ پس نظر وهابیان کاملاً مخالف صریح روایتی است که جناب احمد بن حنبل بیان می کند.

۲. حرام شدن سفرهای جایز

در صورتی که ما نظر وهابیان را بپذیریم و مستثنی منه را آن گونه که وهابیان می گویند مسجد نگیریم (بلکه مکان در نظر بگیریم)، بسیاری از کارهای مباح، مستحب و حتی واجب، عملی حرام و بدعی محسوب می شود؛ مانند:

شد رحال برای رفتن به عرفه که این سفر برای انجام مناسک حج، به اجماع مسلمین واجب است و عرفه از مساجد ثلاثه نیست؛ پس بنابر قول وهابیان این مسافرت واجب، حرام می شود.

شد رحال برای طلب علم (به اجماع مسلمین) در هر مکانی جایز است؛ بلکه گاهی مستحب و گاهی واجب کفایی است. شد رحال برای جهاد کردن و بسیاری از سفرهای دیگر را می توان نام برد که در مباح بودن آنها شکی نیست؛ ولی اگر این سخن وهابیان را درباره این حدیث بپذیریم، تمام این سفرها حرام می شود.

ابن حجر هیتمی می گوید:

روایت شد رحال فقط این را ثابت می کند که برای تعظیم مسجدی و برای نماز در آن و... به غیر از این سه مسجد نروید؛ زیرا استثنا متصل است و غیر از این را نمی رساند؛ زیرا ما شد رحال به عرفه در مناسک حج را داریم و شد رحال برای جهاد و طلب علم و... را داریم که تمام علما حکم به وجوب یا جواز آن داده اند؛ پس کل شد رحال را نمی توان نفی کرد؛ پس شد رحال برای زیارت هم خارج از مضمون این روایت است و منهی عنه نیست.^۱

جناب زینی دحلان فقیه و مورخ اهل سنت نیز می گوید:

باید تقدیر در این روایت مسجد باشد و چیز دیگری نمی توانیم در تقدیر بگیریم؛ وگرنه شد رحال برای حج و جهاد، هجرت از دارالکفر، هجرت



۱. هیتمی، ابن حجر، الجوهر المنظم فی زیارت القبر الشریف النبوی المکرم، ص ۳۱.

برای طلب علم و تجارت و... منهی عنه می‌باشد که هیچ‌کسی این قول را قبول ندارد.^۱

۳. مخالفت علمای اهل سنت با این تفسیر از روایت

ابن عابدین حنفی که یکی از بزرگ‌ترین فقهای مذهب حنفی است، علت تأکید پیامبر ﷺ بر شد رحال و سفر برای تشرف به مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی را ثواب مضاعف آنها می‌داند. وی معتقد است، که این حدیث منعی برای سفر به مساجد دیگر و سفر برای مقاصد دیگر (برای صله رحم و زیارت قبور و...)، ایجاد نمی‌کند و اصلاً ناظر به چنین سفرهایی نیست. بدون تردید شد رحال برای غیر از این مساجد جایز است؛ مانند شد رحال برای صله رحم و تعلیم علم و زیارت مشاهد مشرفه؛ مانند قبر پیامبر اکرم ﷺ و قبر ابراهیم خلیل علیهما السلام و دیگر ائمه.^۲

بهوتی که از او تعبیر به خاتم فقهای حنبلی می‌کنند، قائل به این مطلب است که حدیث "لا تشد الرحال" دلالت بر نهی از شد رحال به غیر این مساجد نمی‌کند؛ زیرا پیامبر ﷺ به صورت سواره و پیاده به سوی مسجد قبا می‌رفتند و قبرها را نیز زیارت می‌کردند و می‌فرمودند: قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد.^۳

اشکال وهابیان به سخن بهوتی

وهابیان در این استدلال بهوتی اشکال می‌کنند که عمل پیامبر ﷺ در زیارت مسجد قبا، بدون شد رحال است و ما هم زیارت مسجد قبا را بدون شد رحال جایز می‌دانیم؛ ولی آنچه که جایز نیست، شد رحال به سوی مسجد قبا یا به سوی قبور است.^۴

جواب اشکال وهابیان به عدم جواز سفر برای زیارت با شد رحال

در جواب این اشکال وهابیان، جناب زینی دحلان که مفتی شافعی مذهب مکه بوده، در

۱. زینی دحلان، أحمد بن سید، الدرر السنية في الرد علي الوهابية، ج ۱، ص ۱۸.

۲. ابن عابدین، محمد أمين، رد المحتار على الدر المختار، ج ۲، ص ۶۹۰-۶۸۹.

۳. بهوتی، منصور بن یونس، كشف القناع عن متن الانقاع، ج ۱، ص ۶۱۸.

۴. آل‌شیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، مجموعة الرسائل والمسائل النجدية، ج ۴، ص ۶۵۵؛ آلبانی، ناصرالدین، موسوعة تحتوي على أكثر من، ج ۲، ص ۵۳۴.

ذیل آیه ۶۴ سوره نساء^۱ می‌گوید: آیه دلالت می‌کند بر اینکه فرقی بین کسی که با سفر به زیارت بیاید و کسی که بدون سفر بیاید نیست.^۲ ایشان دلیل سخن خود را به لفظ «جَاؤُكَ» در آیه برمی‌گرداند که دلالت بر عموم دارد و به این نکته اشاره می‌کند که خداوند متعال در سوره نساء می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾^۳ و این مطلب را بیان می‌کند: کمترین شکی برای کسی که اندک بهره‌ای از علم داشته باشد نیست که هر کس برای زیارت رسول خدا ﷺ از منزلش خارج شود، مهاجرت به سوی خدا و رسول ﷺ بر او صدق می‌کند و علت آن روایاتی است که می‌فرماید: زیارت پیامبر ﷺ بعد از وفات، مثل زیارت ایشان در حیات‌شان است.^۴

قاضی سبکی از علمای سرشناس شافعی، در ذیل این آیه می‌گوید:
آیه دلالت بر تشویق افراد برای آمدن نزد رسول گرامی اسلام ﷺ دارد.
این مسئله اگرچه در زمان حیات ایشان وارد شده است، اما این بزرگداشت پیامبر ﷺ می‌باشد و با مرگ ایشان قطع نمی‌شود.^۵

ابن حجر هیتمی نیز در ذیل این آیه می‌گوید: در این آیه خداوند مومنان را برای رفتن به سوی پیامبر ﷺ بر می‌انگیزد تا آنها در نزد پیامبر ﷺ استغفار کنند و پیامبر ﷺ نیز برای آنها استغفار کند.^۶

با توجه به آیه و روایات ذکر شده و سخنان مفسرین و علمای اسلامی، خداوند متعال فرقی بین زنده یا مرده پیامبر ﷺ نمی‌گذارد و دستور به حضور در نزد ایشان را می‌دهد؛ خواه این حضور در نزد پیامبر ﷺ نیاز به شد رحال و مسافرت داشته باشد و خواه نداشته باشد.

۱. «...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»؛ «و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر ﷺ هم برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند».

۲. زینی دحلان، احمد، الدرر السنية فی الرد علی الوهابیه، ص ۴.

۳. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۴. زینی دحلان، احمد، الدرر السنية فی الرد علی الوهابیه، ص ۴.

۵. سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۸۲.

۶. هیتمی، ابن حجر، الجوهر المنظم فی زیارت القبر النبی الشریف المکرم، ص ۳۱.

۱. سیره سلف

با مراجعه به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه، در می یابیم که سفر کردن با نیت زیارت قبور اولیای الهی، (به خصوص قبر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم)، نه تنها منع نشده است، بلکه برای آن ثواب در نظر گرفته شده و یکی از عبادات به شمار می رود که در ادامه به تعدادی از این روایات اشاره می کنیم.

اولین روایت، روایت مربوط به بلال حبشی است که ابی الدرداء آن را این گونه نقل می کند:

بلال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که به او می گوید: این چه جفایی است ای بلال؛ آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد در حالی که محزون و ترسان بود؛ پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و بر سر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. آنجا گریه می کرد و صورت خود را با خاک قبر، خاک مالی می نمود.^۱

قاضی سبکی در شرح این حدیث می گوید: تکیه ما برای مشروعیت سفر، برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، رویای بلال نیست؛ بلکه تکیه ما بر عمل بلال است. این عمل در زمان خلافت عمر با آن همه صحابه که در آن دوره بودند صورت گرفته و این جریان برای آنها پوشیده نبوده است و هیچ اعتراضی نیز به بلال نکردند.^۲

روایت بعدی، روایتی است که واقدی درباره شد رحال عمر بن خطاب برای زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند و می گوید:

ابن حوشب می گوید: چون کعب الأحبار پیش عمر مسلمان شد و او در آن موقع در بیت المقدس بود، عمر از اسلام آوردن کعب الأحبار خوشحال شد و به او گفت: آیا می توانی با من به مدینه بیایی تا قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کنی و از زیارت قبر او لذت ببری؟ گفت: آری یا امیرالمؤمنین چنین خواهم کرد.^۳

مسلم در کتاب خود روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می کند که حضرت فرمودند: قبور را زیارت کنید؛ چون شما را به یاد مرگ می اندازد.^۴

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۴۴.

۳. «هل لك أن تسير معي إلى المدينة فنزور قبر النبي صلی الله علیه و آله و سلم؟» (واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۳۵).

۴. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱.

با توجه به این روایات که به عنوان نمونه نقل شد، به خوبی روشن می شود که سفر به - قصد زیارت قبور در عصر پیامبر ﷺ و صحابه، یک سنت جاری بوده و کسی در مشروعیت آن تردید نداشته و فرقی بین دور یا نزدیک بودن زائر نبوده است. از آن زمان به بعد هم، سیره مسلمین از هر فرقه و مذهبی بر آن جاری بوده است.

اشکال وهابیان به روایات جواز سفر برای زیارت قبور

پیروان ابن تیمیه و به تبع آن وهابیون، به امثال این روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت در بالا ذکر شد و در حد روایات مستفیض هستند، اشکالی وارد می کنند. محمد بن عبدالهادی در جواب روایاتی که قاضی سبکی در کتاب شفاء السقام آورده و ثابت نموده که زیارت قبر نبی اکرم ﷺ، چه با شد رحال و چه بدون آن جایز و مستحب است، می گوید: روایت «من زار قبری وجب له شفاعتی»، و مانند روایات که مشابه این هستند و قاضی سبکی در کتاب خود آورده، احادیث غیر صحیح و غیر ثابتی هستند؛ بلکه این روایت در نزد علمای اهل فن، روایت منکری است و فقط ضعفا هستند که در احتجاجات خود از این روایت استفاده می کنند.^۱

ابن عبدالهادی می گوید:

نه تنها این روایت، بلکه تمامی روایاتی که قاضی سبکی در باب جواز زیارت آورده ضعیف و واهی هستند و حتی یک روایت صحیح نیز در آنها وجود ندارد. این ضعف روایات تا جایی است که برخی از علما مانند ابن تیمیه، قائل به وضع این احادیث شده اند.^۲

جواب اشکال وهابیان به صحیح نبودن روایات جواز سفر برای زیارت

وهابیان در حالی ادعا به کذب و موضوعه بودن این روایات می کنند که قاضی سبکی در شفاء السقام قریب به بیست روایت از کتب معتبر اهل سنت، در باب زیارت و سفر برای زیارت می آورد. این روایات یا صریح در جواز و تشویق به شد رحال و سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ هستند؛ یا به صورت مطلق بیان شده و هیچ کدام تخصیص نزده اند

۱. ابن عبدالهادی، محمّد، الصارم المنکي في الرد على السبكي، ص ۲۱.

۲. همان.



که فضیلت زیارت برای کسی است که بدون شد رحال به زیارت بیاید؛^۱ در واقع اصلاً تخصیص خوردن این روایات معنایی ندارد؛ بلکه عقلاً و شرعاً صحیح نیست که فعلی مستحب، اما مقدمه آن حرام باشد. این در حالی است که تمامی وهابیان عقیده دارند، زیارت قبر پیامبر ﷺ مستحب است؛ پس چگونه می توان قبول کرد که سفر کردن مسلمین، برای انجام این فعل مستحب، حرام باشد و این همه روایات متضافر را رمی به کذب و وضع کنند.

علاوه بر این، خود جناب سبکی به این نکته اشاره می کند که این روایاتی که ما ذکر کردیم، گزیده ای از روایات بوده و روایات دیگری هم در این باب وجود دارد که اگر آنها را هم به این موارد اضافه کنیم، باعث قوت این احادیث می شود؛ حتی گاهی این روایات حسن با تضافر و کمک روایات دیگر به درجه روایات صحیح می رسند؛ به این دلیل که روایات ضعیف دو دسته هستند. دسته ای که ضعف آنها به خاطر متهم بودن راوی به کذب است، که اجتماع این احادیث باعث قوت روایات نمی شود؛ اما دسته دیگری از روایات ضعیف وجود دارد که ضعف آنها به خاطر ضعف حفظ راوی است؛ با اینکه می دانیم راوی انسان راست گو و دین داری است که در این صورت، اجتماع احادیث ضعیف از این نوع نیز، باعث قوت روایات و ارتقاء درجه آنها به روایات حسن و صحیح می شود.^۲

نظرات بزرگان اهل سنت درباره زیارت قبور

جناب خلیل احمد سهارنپوری در کتاب معروف خود به نام المهند علی المفند که به تایید بسیاری از علمای اهل سنت رسیده است می گوید:

نزد ما علمای دیوبند و همچنین بزرگان ما از علمای احناف، زیارت قبر سرور پیامبران ﷺ از بزرگ ترین موجبات قرب الهی و از مهم ترین مستحبات و از مؤثرترین موجبات رسیدن به درجات عالیه است؛ حتی زیارت قبر نبی اکرم ﷺ قریب به وجوب است؛ اگرچه این زیارت، باشد رحال و بستن بار سفر به آنجا و بذل جان و مال باشد.^۳

۱. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۸۴-۸۷.

۲. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۸۵.

۳. سهارنپوری، خلیل احمد، المهند علی المفند، ص ۳۳.

جناب نووی می گوید:

زیارت قبر رسول الله ﷺ از مهم ترین وسیله قرب به خداوند و بهترین کارگشا است؛ پس هنگامی که حجاج و عمره گذاران از مکه بیرون آمدند، مستحب مؤکد است که به سوی شهر مدینه برای زیارت قبر رسول الله ﷺ بروند و زائر به همراه نیت زیارت، نیت تقرب و نیت بستن بار سفر به سوی قبر حضرت و نماز در آنجا را هم داشته باشد.^۱

جناب ابن الحاج که از علمای مالکی مذهب است می گوید:

زیارت یک عمل مطلوب به نفس است که با قصد و شد رحال انجام می پذیرد و کسی که به قصد زیارت خارج شود و قصدی غیر از آن را نداشته باشد، در حال بهترین عبادات است؛ پس خوشا به حال او...^۲

سمهودی شافعی نیز از قول غزالی می گوید: هر کس که دیدن او در حال حیات موجب تبرک وی می شود، بعد از مرگ نیز دیدن او موجب تبرک وی می گردد و سفر برای زیارت او جایز است.^۳

ابن الحاج (عبدری مالکی) که هم عصر ابن تیمیه بوده، در کتاب شرح الرساله در اهمیت فوق العاده حرکت و سفر برای زیارت مرقد مقدس نبوی ﷺ و ترجیح آن بر حرکت و سفر برای زیارت کعبه و بیت المقدس می گوید: حرکت به سوی مدینه برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ افضل از حرکت به سوی کعبه و بیت المقدس است.^۴ حصنی دمشقی در تأیید سخن عبدری می گوید: ابن الحاج درست و نیکو گفت؛ چون قبر پیامبر اکرم ﷺ به اجماع مسلمین بافضیلت ترین بقعه است.^۵

ابن الحاج در کتاب دیگر خود به نام المدخل، نظر خود را درباره عظمت انبیای الهی و ثواب سفر برای زیارت قبور شریف شان و آداب زیارت و اینکه ابدان مطهرشان صحیح و سالم است و زائر باید به هنگام زیارت، به حال انکسار و خضوع باشد و به آن بزرگواران برای غفران گناهان و رسیدن به نیازمندی های شرعی توسل پیدا کند و یقین به اجابت دعا داشته باشد، را بیان کرده است. او معتقد است که زائر به علت عظمت مقام

۱. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۸، ص ۲۷۲.

۲. ابن الحاج، ابوعبدالله، المدخل، ص ۲۵۶.

۳. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء، ص ۱۳۶۲.

۴. حصنی دمشقی، تقی الدین، دفع الشبه عن الرسول و الرساله، ص ۱۸۸.

۵. همان.



انبیا و رسل، به سوی آنها می رود؛ پس وقتی به سوی آنها می رود باید با حالت خضوع، انکسار، مسکنت، نیازمندی، اضطرار، حضور قلب و حضور خاطر باشد؛ پس از آن، به وسیله آنها به خداوند متوسل شود و برای برآورده شدن حاجاتش و غفران گناهانش به آنها استغاثه کند و طلب حاجت داشته و به برکت آنها، اطمینان به اجابت داشته باشد؛ چون آنها باب الله مفتوح هستند و سنت خداوند بر این است که حوائج مردم را به دست و سبب آنها برآورده کند.^۱

علمای مذاهب (حتی حنبلی ها)، از ابن تیمیه که خود را حنبلی می دانست به خاطر اینکه در مشروعیت سفر برای زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خدشه وارد کرده و این عمل را بدعت شمرده، روی برگرداندند و او را گمراه دانستند؛ مثلاً "یافعی" درباره او گفت: ابن تیمیه مسائل غریبی آورد که بر او انکار کردند و از قبیح ترین سخنان او، نهی از زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.^۲

لکنوی هندی به ابن تیمیه تاخته و می گوید: سخن ابن تیمیه در مسئله زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از زشت ترین سخنان است. او سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حرام دانسته و این سفر را سفر معصیت خوانده و حتی زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز حرام اعلام کرده و این عمل را غیر مشروع و ممتنع دانسته است.^۳

لکنوی نظر ابن تیمیه در تضعیف روایات زیارت را رد کرده و می گوید: او درباره احادیثی که در این زمینه وارد شده حکم کرده و همه آنها را احادیث موضوعه خوانده است؛ در حالی که بعضی از این احادیث، احادیث حسن هستند. لکنوی بر این باور است که ابن تیمیه اولین کسی است که اجماع در جواز زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شکسته و سخنی را گفته است که هیچ عالمی قبل از او، آن را مطرح نکرده است.^۴

شارح معروف صحیح بخاری، جناب ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری به این نکته اشاره می کند و می گوید: علما به ابن تیمیه نسبت داده اند که او بار سفر بستن برای زیارت مرقد آقایمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را حرام شمرده است. ما نیز این

۱. ابن الحاج، أبو عبد الله، المدخل، ص ۲۵۶.

۲. یافعی، عبد الله بن اسعد، مرآة الجنان و عبرة اليقظان، ج ۴، ص ۲۷۷.

۳. لکنوی هندی، محمد عبدالحی، ابراز الغی الواقع فی شفاء العی، ص ۳۵.

۴. همان.

کار ابن تیمیه را قبول نداریم. این مسئله از زشت‌ترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده است.^۱

حصنی دمشقی در مورد سخن ابن تیمیه درباره بدعت بودن سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ می‌گوید: من معتقدم هیچ‌کسی مانند ابن تیمیه به پیامبر ﷺ و انبیای الهی جسارت نکرده است که بگویند زیارت آنان گناه است و بر این قول، ادعای اجماع کند.^۲

نتیجه

بر اساس آیات قرآن کریم، روایات، عمل صحابه و نظرات بزرگان علمای اسلام، سفر برای زیارت قبور اولیای الهی به‌ویژه قبور صالحان و انبیا و در رأس آنها پیامبر اعظم اسلام ﷺ، فضیلت زیادی دارد و از افضل عبادات و قربات است و بر آن تأکید شده است؛ چون مقدمه زیارت قبور، طی طریق و شد رحال برای این منظور است، سفرهای زیارتی هم به دلالت التزامی - به فرض اینکه هیچ روایتی در خصوص ترغیب به چنین سفرهایی وجود نداشته باشد و هیچ فقیهی به صراحت به استحباب یا اباحه چنین سفرهایی فتوا نداده باشد - مستحب و لا اقل مباح و مشروع است؛ در واقع نظر وهابیان که از ابن تیمیه پیروی کرده و این نوع سفر را حرام و بدعت می‌دانند، نظری باطل و خلاف کتاب و سنت و سیره مسلمین می‌باشد. آنان با تمسک به روایتی که اصلاً در مقام بیان سفر برای زیارت نمی‌باشد، حکم حرمت را بر این نوع از سفرها ثابت کرده و عمل مسلمین را بدعت در دین معرفی کرده‌اند؛ در حالی که خود، مبدع در دین بوده و عملی را که مستحب یا حداقل مباح می‌باشد را حرام و بدعت معرفی کرده و بسیاری از مسلمانان را از زیارت قبر رسول گرامی اسلام ﷺ محروم نموده‌اند.

۱. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۳.

۲. حصنی دمشقی، تقی الدین، دفع الشبه عن الرسول و الرساله، ص ۱۶۸.



منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن الحاج، ابو عبدالله محمد بن محمد، المدخل، قاهره: مكتبة دار التراث، بى تا.
٣. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، تحقيق: ناصر عبدالكريم العقل، بيروت: دار عالم الكتب، چاپ هفتم، ١٤١٩ق.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، المستدرک على مجموع فتاوى شيخ الإسلام، رياض: بى نا، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٦. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الرد على الأحنائي قاضي المالكيّة، تحقيق: الداني بن منير آل زهوى، بيروت: المكتبة العصرية، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٧. ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٨. ابن عابدين، محمد امين بن عمر، رد المحتار على الدر المختار، بيروت: دارالفكر، چاپ دوم، ١٤١٢ق.
٩. ابن عبد الوهاب، سليمان بن عبدالله، التوضيح عن توحيد الخلاق في جواب أهل العراق وتذكرة أولي الألباب في طريقة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، رياض: دار طيبة، ١٤٠٤ق.
١٠. ابن عبد الهادي، محمد، الصارم المنكى في الرد على السبكي، تحقيق: عقيل بن محمد المقطرى اليماني، بيروت: مؤسسه الريان، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
١١. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، بى تا.
١٢. آلباني، ناصر الدين، تفرغ فتاوى متنوعة للشيخ الألباني، بى جا: بى تا، بى نا.
١٣. آلباني، ناصر الدين، موسوعة تحتوي على أكثر من خمسين عملا ودراسه، تحقيق: شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء: چاپ اول، ١٤٣١ق.
١٤. آل شيخ، عبد اللطيف بن عبد الرحمن، مجموعة الرسائل والمسائل النجدية، رياض: دارالعاصمة، چاپ اول، ١٣٤٩ق.
١٥. بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله وسننه و أيامه، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بيروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٦. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز، رياض: بى نا، بى تا.

١٧. حصنى دمشقى، تقى الدين، دفع الشبه عن الرسول و الرسالة، تحقيق: لجنة من العلماء، قاهره: دار احياء الكتب العربى، چاپ دوم، ١٤١٨ق.
١٨. دحلان، احمد بن زينى، الدرر السنیه في الرد على الوهابية، بيروت: مكتبة الاحباب، ١٤٢٤ق.
١٩. دويش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء، رياض: دارالعاصمه، ١٤١٣ق.
٢٠. سبكي، تقى الدين، شفاء السقام فى زيارة خير الانام، تحقيق: حسين محمد على شكرى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٢١. سمهودى، نورالدين على بن احمد، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفى، تحقيق: محمد محبى الدين عبدالحميد، بيروت: مكتبة العصرية، ١٤٣٢ق.
٢٢. سهانپورى، خليل احمد، عقائد علماء أهل السنة الديوبندية (المهتد على المفتد)، تحقيق: دكتور سيد طالب الرحمن، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الاسلاميه، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
٢٣. شوكانى، محمد بن على، نيل الاوطار، تحقيق: عصام الدين الصباطى، مصر: دارالحديث، ١٤١٣ق.
٢٤. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.
٢٥. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، تحقيق: احمد حسيني اشكورى، تهران: مرتضوى، چاپ سوم، ١٣٧٥ش.
٢٦. عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، رياض: دار ابن جوزى، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٧. لکنوى، محمد عبدالحى، إبراز الغي الواقع في شفاء العي، بی جا: انوار محمدى، ١٣٠١ق.
٢٨. مطرزی، ناصر بن عبدالسيد، المغرب في ترتيب المعرب، محقق: محمود فاخورى، عبدالحميد مختار، حلب: مكتبة أسامة بن زيد، ١٤١٩ق.
٢٩. نووى، يحيى بن شرف، المجموع شرح المذهب، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٣٠. نیشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بی تا.
٣١. واقدى، محمد بن عمر، فتوح الشام، بی جا: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٣٢. هيثمى، ابن حجر، الجوهر المنظم فى زيارة القبر الشريف النبوى المكرم، قاهره: دار جوامع الكلم، بی تا.

